

تاریخچه مدارس و تشکیلات آموزشی نوین ایران در عصر سپهسالار

سرگذشت
مکتب مجانی مشیریه

● نیایش پورحسن*

مقالات

اشاره

دربارهٔ زندگانی، میرزا حسین خان مشیرالدوله (صدر اعظم و سپهسالار ایران در دورهٔ ناصری)، تاکنون ده‌ها کتاب و مقاله منتشر شده است. جستار حاضر کوشش دارد که روی فعالیت‌های او در زمینهٔ احداث مدارس نوین در کشور متمرکز شود. در این شماره، سرگذشت مکتب یا مدرسهٔ مجانی مشیریه که بین سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۰ قمری به فعالیت تدریس زبان‌های خارجه در تهران اشتغال داشت، از نظر می‌گذرد. گرچه از نظر خدمات سیاسی با انعقاد قرار داد ننگین رویترو و امتیازاتی در خصوص سرحدات سیستان و بلوچستان و قراردادهای ننگین دیگری با روسیه تزاری خوشنام نیست و با اعتراض علما و روحانیت از جمله ملاعلی کنی مجبور به استعفا شد. همچنین ایشان به سوءاستفاده از موقعیت و مناصب اداری به گرفتن رشوه و فساد مالی متهم است اما مقاله از حیث تاریخچهٔ آموزش زبان در کشور حائز اهمیت است.

* پژوهشگر و از اعضای کانون نویسندگان و منتقدان خانهٔ تئاتر ایران E-mail: epourhassanniayesh@gmail.com

♦ ورود

با واقعه قتل امیرکبیر، نه تنها وضعیت مدرسه دارالفنون دچار خطر تعطیلی شد، بلکه وضعیت احداث مدارس نوین در کشور نیز به مدت سه دهه به محاق و فراموشی سپرده شد. با ورود میرزا حسین خان مشیرالدوله به عرصه سیاست کلان در کشور، وضعیت احداث مدارس نوین در ایران مجدداً از سر گرفته شد. میرزا حسین خان مشیرالدوله در دو دوره به مقام سپهسالاری رسید. دوره نخست سپهسالاری او از سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۰ قمری به طور انجامید. وی در این مدت در مقام صدارت عظمی برخی اقدامات آموزشی را انجام داد. دوره دوم سپهسالاری او از سال ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۷ قمری سپری شد. این بار او در مقام وزارت لشکری به اصلاحات جدی در زمینه قشون و امور نظامی در کشور دست زد. در دوره نخست صاحب‌منصبی سپهسالار، چند مکتب یا آموزشگاه مجانی در پایتخت تأسیس شدند که مهم‌ترین آن‌ها مکتب (مدرسه) مشیریه است که نخستین آموزشگاه مستقل زبان‌های خارجه در کشور محسوب می‌شود. در دوره دوم سپهسالاری او، احداث مدرسه نظام، مدرسه اتام‌آزور، توسعه و بازسازی مدرسه مبارکه دارالفنون و ایجاد تشکیلات جدید در آن، همانند دواخانه عامه، عکاس‌خانه عامه و احداث مدرسه موزیک، در زمره خدماتش به‌شمار می‌روند. متأسفانه در اغلب پژوهش‌های قدما که درباره تاریخ مدارس دوره قاجار نگاشته شده‌اند، یا هیچ اشاره‌ای به این مدارس نشده است یا توضیحات کامل و روشنی درباره سرگذشت مدارس مزبور مشاهده نمی‌شود. بدتر از آن، در پژوهش‌های دانشوران قدیم، هیچ واگوی مستندی از بازسازی و توسعه مدرسه مبارکه دارالفنون و احداث تشکیلات جدید در دوره سپهسالار به چشم نمی‌خورد. بدین دلیل مقاله حاضر در صدد است با نگاهی تاریخی و توصیفی تحلیلی و با تکیه بر مدارک تازه‌یاب، تاریخچه‌ای از سرگذشت این مدارس را روشن‌گری کند.

□ مکتب مجانی | درس مجانی | مکتب مشیریه | مدرسه مشیریه

مهم‌ترین مرکز آموزشی ایران در دوره اول صاحب‌منصبی سپهسالار که در جنب ارگ تهران^۱ تأسیس گردید، مکتب مجانی است. این مکتب برای تدریس زبان‌های خارجه در دارالترجمه مبارکه دولتی افتتاح شد و همانند دوره اول صدارت سپهسالار دو سال بیشتر دوام نداشت.

اساساً تفکر تشکیل مکتب‌های مجانی نوین در دوره ناصری در ایران، محصول اندیشه‌های وارداتی غربی به کشور است. چنان‌چه یادداشت ذیل در روزنامه دولتی (نمره ۱۳، ۶، پنجشنبه ۲۰ رمضان ۱۲۸۴ ق.) درباره این موضوع چنین روشن‌گری می‌کند:

۱. «به امر همایون در میدان ارک به ریاست جناب صنیع‌الدوله مدرسه [ای] مسم به مشیریه بنا شد.» (روزنامه شرف، نمره ۲۵، ربیع‌الاول ۱۳۰۲ ق. ص ۴).

«در دُول اروپا، اطفال از اناث و ذکور از آغاز طفولیت در مکتب‌خانه‌های مجانی یا مخصوص تا یک‌حدی باید تحصیل کنند. بدین طریق خواندن و نوشتن و حساب جزئی و تاریخ و جغرافیای جزئی و صرف و نحو مختصری را هر دو جنس اطفال در مکتب‌خانه‌هایی که از برای بنات [دختران] و بنین [پسران] علیحده ساخته‌اند حکماً باید بخوانند. اگر فقیرند در مکتب‌خانه عام مجاناً تحصیل می‌کنند و در صورت توانگری معلوم است که معلم و مربی مخصوص دارند. پس از بیرون آمدن آن‌ها از مکتب‌خانه و رسیدن به حد تحصیل، اطفال ذکور در مدارس مقدمات علوم حالیه خواه دولتی و خواه رعیتی چند سالی می‌روند و از اصول علوم حالیه و تکمیل نحو و صرف و تاریخ و جغرافیا مستغنی شده به مقضای خواهش پدر و مادر یا میل خود به مدارس عالیه دولتی رفته و تحصیل علم و عمل می‌کنند.»^۱



صنیع‌الملک

بی‌گمان تفکر احداث مکتب مجانی در عصر سپهسالار نیز محصول اندیشه‌های غربی است که زمینه‌ی احداث و نام‌گذاری آن اندکی پیش‌تر در ایران به راه افتاده بود. چنانچه امیرکبیر پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون، آن را مکتب‌خانه پادشاهی تلقی می‌نمود (اقبال آشتیانی، ۳۹۲: ۱۳۶). همچنین در زمان تشکیل آموزشگاه نقاشی صنیع‌الملک در عمارت دیوان‌خانه مبارکه تهران به سال ۱۲۷۸ق. از آن به‌عنوان مکتب مجانی نقاشی یاد می‌شد.^۲ تشکیل مکتب مجانی زبان‌های خارجه در عصر سپهسالار که همنام با لقب او (یعنی مشیرالدوله) به مکتب مجانی یا مدرسه مشیره موسوم شد، از دیگر آموزشگاه‌های نوین ایران در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه بود که تفکر تأسیس آن نیز برآمده از غرب بود. چنانچه صنیع‌الدوله اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۶ قمری در این خصوص نوشته است:

«افتتاح مکتب مشیری مجاناً... چون در صدارت حاج میرزا احسین خان قزوینی مشیرالدوله این کار ابتکار شد و او به‌شدت مروج علوم و رسوم ممالک اروپا بود، روزی به‌شخصه حاضر مکتب شد... و درخواست تا آن دایره با وی منسوب افتد و به‌نام مشیره موسوم گردد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۶ ق: ۱۱۸).

جالب است که نام‌گذاری این مکتب به اسم مشیره، نه به درخواست مشیرالدوله سپهسالار، بلکه از روی روحیه چاپلوسی صنیع‌الدوله اعتمادالسلطنه نامیده شده است که با استدعا و خواهش از صدراعظم وقت مملکت درخواست نمود این مکتب یا مدرسه با نام او مزین شود. چنانچه این موضوع به بهترین نحو در روزنامه ایران مندرج است:

۱. اگر به سیاست‌های نوسازی دوران پهلوی اول دقت شود، نشانه‌های این وضعیت دیده می‌شود.
۲. «افتتاح مکتب نقاشی مجاناً» (اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان: المآثر و الآثار، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۶ ق، ص ۱۱۷) و «مکتب‌خانه نقاشی به‌طور فرنگستان» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۱۸، پنج‌شنبه ۳ شوال ۱۲۷۸ ق، ص ۶) و «مکتب نقاش‌خانه» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۰، یک‌شنبه ۲۶ شوال ۱۲۷۸ ق، ص ۶).

«صنیع الدوله محض افتخار این مکتب و از دیاد تشویق متعلمین از جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدراعظم مستدعی شد که این مکتب را به اسم خودشان موسوم فرمایند. جناب مستطاب اشرف امجد معظم‌الیه قبول استدعای صنیع الدوله را فرموده، مکتب مجانی را به مکتب مشیریه موسوم فرمودند و برای استحضار ناظرین در این روزنامه مبارکه رقم زد کلک روزنامه‌نگاری گردید» (روزنامه ایران، ۱۲۸۹ ق: ۲).

اما نحوه تأسیس و شکل‌گیری این مکتب را بی‌گمان باید به دنبال ایجاد دارالترجمه دولتی^۱ به ریاست محمدحسن خان صنیع الدوله (اعتمادالسلطنه سال‌های بعد) دانست. محمدحسن خان (۲۱ شعبان ۱۲۵۹ - ۱۸ شوال ۱۳۱۳ ق) پسر سوم و اولاد چهارم حاج‌علی خان حاجب‌الدوله مقدم مراغه‌ای اعتمادالسلطنه (مباشر مستقیم قتل امیرکبیر در فین کاشان) است و مادرش، دختر آقاخان سردار (از اولاد مصطفی خان قاجار قوانلو پسر محمدحسن خان و برادر آقامحمدخان قاجار) بود. وی از دانش‌آموختگان رشته پیاده‌نظام و زبان فرانسه در نخستین دوره مدرسه مبارکه دارالفنون بود که از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ قمری به تحصیل پرداخت و به درجه سرهنگی نائل گردید.^۲

او در سال ۱۲۸۰ قمری برای انجام مأموریت‌های سفارتی روانه فرانسه شد و در حین خدمت در سفارت‌خانه ایران با منصب نایب دومی، به ادامه تحصیل در پاریس پرداخت. بنا به نوشته خود وی در حدود سه سال و نیم، بین سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۴ ق.

۱. اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر و الآثار (تهران: چاپ سنگی، ۱۳۰۶ ق، صص ۱۱۳ - ۱۱۴) در این خصوص چنین نوشته است: «افتتاح دارالترجمه خاصه در دربار دارالخلافه تهران، امروز وضع دول ایران و انبران عموماً برخلاف جمیع قرون ماضیه و احقاب خالیه است. شغل ملک‌داری و فرمان‌گذاری را در این اعصار شرایطی به‌هم رسیده و تکالیفی پدیدار آمده است که در سلطنت‌های سابق دنیا از بسیار آن اندکی و از هزارانش یکی نبوده. من جمله می‌بایست از تمام پلیتیک دول روی زمین شخص همایون پادشاه آگاه بوده و از کافه افکار و اخبار دربار هر مملکت استحضار داشته باشد، لهذا از سال هاست که برحسب امر جهان‌مطاع شاهنشاه ایران در کرسی این مملکت مینونشان، مجتمعی حافل [اشاره به دارالترجمه خاصه دربار] از برآمدگان عصر همایون و پروردگان مدرسه دارالفنون در تحت ریاست این بنده ذلیل تشکیل یافته، جمیع جراند و جرانیل [جمع ساختگی برای ژورنال] و گازت‌ها از تمام دولت‌ها و حکومت‌ها و ایالات وارد آن‌جا می‌گردد و از السننه شتی و لغات مختلف به پارسی ترجمانی می‌شود و هر به چند روز یک‌بار از لحاظ اقدس شهریار می‌گذرد.»

گفتنی است که دارالترجمه دولتی را نباید با دارالترجمه دربار ناصری (دارالترجمه خاصه یا دارالترجمه همایونی) که در تاریخ سه‌شنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۰۰ قمری در دربار افتتاح شد، یکی دانست (بنگرید به خاطرات اعتمادالسلطنه، دوشنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۰۰ ق. دستور تأسیس از سوی ناصرالدین‌شاه و افتتاح در تاریخ سه‌شنبه ۲۰ ذیحجه همان سال).

۲. بنگرید به: «محبوبی اردکانی و ایرج افشار: چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳. صص ۴۷۳ و ۵۲۰» و «مطلع‌الشمس، چاپ افست با مقدمه محمد پیمان، تهران: انتشارات پیشگام، ۱۳۶۲. صص ۱۴-۴».

۳. «روز هفتم جمادی‌الآخر [۱۲۸۰ ق. = دسامبر ۱۸۶۳ م.]. محمدحسن خان، آجودان مخصوص، حضور همایون پسر اعتمادالسلطنه وزیر دیوان‌خانه عدلیه اعظم، مأمور و روانه سفارت‌خانه پاریس گردیدند که در آن‌جا به صلاح دید حسین‌علی خان وزیرمختار امیرنظم‌گروسی [مشغول خدمت محوله به خود بوده باشند]» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۵۱، مورخ ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۲۸۰ ق. ص ۵).

در مدارس وردو و لوی لوگراند (واقع در پاریس) به تکمیل زبان فرانسه و آداب و رسوم مفیده عصر جدید پرداخت.

وی در سال ۱۲۸۴ ق. به ایران بازگشت و با توجه به بروز کفایت و دانشی که در زمینه تاریخ و جغرافیا و زبان فرانسه کسب نموده بود، به سمت مترجم در روزنامه‌های دولتی و ملتی^۱ و مترجم مخصوص حضور همایون گماشته شد.

محمدحسن‌خان پس از بازگشت به ایران تا پایان عمرش در شمار فرانسه‌دان‌های برجسته ایران تلقی می‌شد. به همین جهت دکتر فوریه (طبيب مخصوص ناصرالدین‌شاه) در وصف او چنین نوشته است:

«میرزا نظام [مهندس الممالک] و [محمدحسن‌خان] اعتمادالسلطنه هر دو زبان فرانسه را به خوبی تکلم می‌کنند. به همین علت، اولی مترجم [میرزا علی اصغر خان] امین‌السلطان و دومی مترجم [ناصرالدین] شاه هستند و این انتخاب کاملاً به جا بوده است» (بامداد، ۱۳۸۵: ۳۸۳).

او در سال ۱۲۸۷ قمری به مسئولیت اداره روزنامه‌های دولتی و یک سال بعد به ریاست دارالطباعة دولتی (رئیس دارالطباعة کل ممالک محروسه ایران) منصوب شد. محمدحسن‌خان در آغاز عصر سپهسالار با لیاقت و کفایتی که از خود نشان داد، در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ قمری به لقب صنیع‌الدوله^۲ و ریاست دارالترجمة دولتی^۳ مفتخر شد. همچنین در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ قمری به دریافت لقب موروثی خود یعنی اعتمادالسلطنه نائل شد.

۱. «محمدحسن‌خان جنرال آجودان و پیش خدمت خاصه حضور همایون که از تربیت‌یافتگان خاص دولت ابدمدت قاهره است، مدت‌ها در مدرسه مبارکه دارالفنون به تحصیل درس زبان فرانسه و مشق پیاده نظام و علوم دیگر اشتغال داشته، بعد از آن برحسب امر قدر قدرت همایونی، مدتی به پاریس رفته، به تحصیل درس زبان و تکمیل آن و سایر علوم پرداخته و در ترجمه کتب تواریخ و جغرافیای ینگی دنیا اهتمام نموده، از جانب سنی‌الجوانب همایون امر و مقرر شد که از ترجمه‌های مشارالیه بعد از این در ذیل روزنامه‌های دولتی و ملتی سمت انطباع یابد» (روزنامه دولتی، نمره ۶۲۸، پنج‌شنبه ۲۸ شوال ۱۲۸۵ ق. ص ۴).

۲. «چون ترقیات حاصله دارالطباعة همایونی از حُسن مراقبت و اهتمامات کامله محمدحسن‌خان پیش خدمت و مترجم مخصوص و رئیس دارالطباعة کل ممالک ایران مشهود افتاده، خاطر ما را کاملاً خشنود داشته است، او را به لقب جلیل صنیع‌الدوله مخاطب فرمودیم که موجب امتیاز و افتخار او شده به شمول الطاف علیه بیش تر در خدمت محوله به خود اهتمام نماید. فی شهر ربیع‌الثانی قوی‌ئیل ۱۲۸۸ ق.ا.» (روزنامه ایران، نمره ۲۴، چهارشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ ق.، ص ۱).

۳. «نتایج تربیت دولت روزافزون که جمعی برآوردگان عهد همایون دارای علوم و دانای‌السنه و مصطلحات غریبه شده‌اند تا امروز موافق منظورات ملوکانه حاصل نشده است. این اوقات اراده‌ای علیه ما اقتضا کرده که به انعقاد دارالترجمة دولتی فواید مترقیه این امر تحصیل شود و چنان که در سایر دول این کار در تحت قاعده معتبره است، در این ملک محروس هر فایده‌ای از انتشار علوم مفیده و کسب اطلاعات لازمه شایع فرمائیم محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله مترجم مخصوص حضور همایون را در این تاریخ فرخنده به ریاست دارالترجمة دولتی اختصاص دادیم که مترجمین را از هر زبان و هر فن در عمارتی که مخصوص این کار معین شده است مجتمع داشته به طوری که به المشامه‌العلیه فرمایش شده است همه آن‌ها را به خدمات مقرر بازدارد؛ مقرر آن که عموم مترجمین و دانشمندان السنه خارجه از تبعه دولت علیه بلااستثنا خود را جزء مجلس مزبور دانسته و از دستورالعمل صنیع‌الدوله خود را خارج ننداند. فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۸۸ ق.ا.» (روزنامه ایران، نمره ۲۷، پنج‌شنبه ۹ جمادی‌الاول ۱۲۸۸ ق.، صص ۱-۲).

«طرز خدمتگزاری و ظهور لیاقت و درستکاری صنایع‌الدوله وزیر انطباعات و مترجم مخصوص حضور همایون، چون در پایه سریر اعلا همواره مشهود و مستوجب بذل امتیازی جلیل بود. معزی‌الیه را به لقب نبیل اعتمادالسلطنه که لقب موروثی معزی‌الیه بود، ملقب و سرافراز فرمودند. سواد دستخط همایون: لقب اعتمادالسلطنگی که ارث صنایع‌الدوله است، به او التفات می‌فرماییم، چون در کمال خوبی و مواظبت خدمات خود را به انجام رسانیده است. ۱۳۰۴ [۱] ایت‌نیل.»

یک ماه پس از آنکه میرزا حسین خان مشیرالدوله از جانب ناصرالدین شاه به وزارت اعظم عساکر منصوره نظام و غیرنظام و به لقب سپهسالار اعظم (۱۳ رجب ۱۲۸۸ ق) سرافراز شد، صنایع‌الدوله لایحه تأسیس مکتب مجانی را برای تشکیل کلاس‌های زبان‌های خارجه با اجازه سپهسالار و وزارت علوم به تصویب رسانید^۱ که سند آن از نظر می‌گذرد:



مشیرالدوله

«حساب‌الامر الاقدس الاعلا امر و مقرر شده بود که دارالترجمه همایونی انعقاد یافته و جمعی مترجمین ایرانی که به فرنگستان رفته، به مراقبت و توجه اولیای دولت تربیت یافته‌اند و مترجمین خارجه که از دول مختلفه به دربار همایون آمده‌اند، مجتمع شده به این تفصیل: آقامیرزارضی کاشانی، مسیو بروسکی، میرزاهارتون خان، میرزاعلی خان، میرزاعلی قلی، ماردروس خان به ترجمه و خدمات مرجوعه بپردازند و حساب‌الامر الاعلا از تاریخ بیستم شعبان والمعظم [۱۲۸۸ ق.] دارالترجمه سمت انعقاد خواهد یافت و در سایه عنایت بندگان اقدس اعلا حضرت قدر قدرت شاهنشاهی، سوای دوشنبه و جمعه، مجلس دارالترجمه منعقد خواهد بود و محض رواج السنه مختلفه و ترقی این صنعت در مملکت محروسه، مقرر و اعلان می‌شود که در ایام تحصیل، همه روزه از دو ساعت به غروب مانده تا هنگام غروب، مترجمین داخله و خارجه از چهار زبان تدریس می‌نمایند: زبان فرانسه، زبان انگلیسی، زبان روس و ترکی اسلامبولی. و هر کس از اعالی و ادانی در وقت معین در دارالترجمه حاضر شود، بدون اینکه چیزی از او خواسته باشند، قبول نموده، مجاناً او را به هر یک از این چهار زبان میل باشد، می‌آموزند» (روزنامه ایران، ۱۲۸۸).

پس از عرض این فقره نزد رؤسای دولت، سپهسالار اعظم را اجرای این امر مطبوع افتاد و در ذیل سواد آن به خط خود نوشت: «آفرین به صنایع‌الدوله، فکر خوبی کرده است. ان‌شاءالله در سایه همایون شاهنشاه ظل‌الله روحنا فداه نتایج خوب خواهد داد. غره [اول] شعبان المعظم سنه ۱۲۸۸ ق.]» (پیشین).

۱. «در صدرات جناب اشرف امجد حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم به میل ایشان و اجازه وزارت علوم، ایجاد مدرسه مشیرییه در دارالترجمه نمود.» (صنایع‌الدوله، محمدحسن خان: مرآت‌البلدان، جلد ۲، تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۴ ق.)، ص ۹۱.

مکتب مجانی از شعبان ۱۲۸۸ قمری به‌طور مستمر و همه روزه (به‌جز روز جمعه) در ساعات بعدازظهر تا غروب آغاز به کار کرد (روزنامه ایران، شماره ۴۸، شماره ۵۹ و شماره ۶۲). این مکتب در ابتدا قرار بود فقط به تدریس زبان‌های خارجه (به‌ویژه زبان فرانسه) بپردازد، چنانچه در ماه‌های شعبان و رمضان ۱۲۸۸ قمری از قرار معلوم تنها به تدریس زبان فرانسه سپری پرداخت (روزنامه ایران، شماره ۵۵، شماره ۵۶، شماره ۵۸). در دهه نخست شوال همان سال، تدریس زبان انگلیسی نیز در بین دروس آن مکتب به چشم می‌خورد (روزنامه ایران، شماره ۵۹). اما چندی بعد، دو درس جغرافیا و هندسه (حساب و ریاضی)^۱ و حتی علم طب مجانی (روزنامه ایران، شماره ۱۰۲) نیز در آن مکتب تدریس می‌شد.

گفتنی است که ریاست این مکتب بر عهده صنیع‌الدوله بود و مسیو بروسکی (پروسکی خان) تدریس زبان فرانسه^۲ و ریاست مترجمین^۳ این مکتب را برعهده داشت. شاگردان این مکتب اغلب از کودکان و اطفال شاهزادگان و صاحب‌منصبان و اعیان و اشراف و سرشناسان دستگاه دولتی بودند که یا به تحصیل زبان‌های خارجه می‌پرداختند و یا برای ورود به مدرسه مبارکه دارالفنون آمادگی کسب می‌نمودند. چنانچه خود صنیع‌الدوله اعتمادالسلطنه در این خصوص چنین نوشته است: «متعلمین این مدرسه که مقدمات را کاملاً تحصیل نموده بودند، [بعدها] تکمیل تحصیل را در مدرسه دارالفنون نمودند» (مرآت‌البلدان، ۱۲۹۴ ق: ۹۱؛ روزنامه ایران، شماره ۱۴۷: ۱-۲؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۳۷۵).

شاگردان این مکتب مجانی در بدو تأسیس در ماه شعبان و رمضان ۱۲۸۸ قمری قرین به ده نفر می‌شدند (روزنامه ایران، شماره ۵۵: ۴). در دهه نخست شوال همان سال شمار این شاگردان به بیست و چهار نفر (روزنامه ایران، شماره ۴۵۹) و در دهه دوم شوال تعداد آن‌ها به حدود چهل نفر ارتقا پیدا کرد (روزنامه ایران، شماره ۶۲: ۴).

از این تاریخ به بعد به تدریج بر شمار شاگردان این مدرسه افزوده شد تا آنکه تعداد آن‌ها تا ماه صفر ۱۲۸۹ قمری به حدود هفتاد نفر رسید (روزنامه ایران، شماره ۸۸: ۴). گفتنی است که تعداد این شاگردان در زمان تعطیلی این مدرسه نیز بالغ بر هفتاد نفر بود (روزنامه ایران، شماره ۱۴۷: ۲).

۱. مکتب مجانی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه به اهتمام مؤلف دایر شد (صنیع‌الدوله، محمدحسن خان: تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، جلد ۳، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷. ص ۱۹۳۵)، «در آن مدرسه به تحصیل زبان فرانسه و انگلیسی و هندسه و جغرافی مشغول بودند» (صنیع‌الدوله، محمدحسن خان: مرآت‌البلدان، جلد ۲، تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۴ ق: ص ۹۱). «این مکتب که در آن السنه مختلفه و جغرافی و غیره تدریس می‌شود» (مرآت‌البلدان، جلد ۳، تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۵ ق: ص ۱۶۸)، «آن‌جا، تعلیم زبان فرانسه و ژوگرافی و ریاضی و غیره [ادباً] گردید.» (روزنامه شرف، شماره ۲۵، ربیع‌الاول ۱۳۰۲ ق: ص ۴).
۲. اشخاص... تحصیل زبان فرانسه را به معلمی مسیو بروسکی که در فن تعلیم زبان فرانسه مهارت کامل دارد، می‌نمایند.» (روزنامه ایران، شماره ۵۵، جمعه ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ ق: ص ۴).
۳. مسیو بروسکی رئیس مجلس مترجمین که تعلیم متعلمین را به‌عهده گرفته است (روزنامه ایران، شماره ۶۲، سه‌شنبه ۲۰ شوال ۱۲۸۸ ق: ص ۴). و «مسیو بروسکی مترجم حضور و رئیس مجلس مترجمین» (صنیع‌الدوله، محمدحسن خان: سال‌نامه ۱۲۹۰ ق: تهران: چاپ سنگی، ص ۱۰۲-۱۰۳).

نخستین شاگردان این مکتب که در ماه رمضان ۱۲۸۸ ق. نزد مسیو بروسکی به تحصیل زبان فرانسه پرداختند، عبارت بودند از: «میرزاتقی ولد مجدالملک، حاجی میرتقی تاجر تبریزی، مرتضی قلی خان و عزیزخان ولدان میرزایان مستوفی خاصه، میرزا اسطو معلم ولدان معزی الیه، میرزامهدی ولد مرحوم نامه‌نگار، میرزامسعود [غفاری نقاش] ولد میرزارضای عمو مترجم، میرزا عبدالرحیم طیب برادر میرزا طاهر مستوفی دیوان، میرزامحمود ولد میرزا اسدالله طیب کاشانی، میرزاعباس ولد میرزاعلی خان ناظم دارالاطباء» (روزنامه ایران، نمره ۵۵: ۴).

چند روز بعد، تعدادی دیگر نیز برای تحصیل زبان فرانسه به شاگردان مکتب مجانی اضافه شدند که اسامی آن‌ها بدین قرار است: «میرزا ابوالحسن ولد میرزامحمد رئیس وزارت خارجه، عبدالحسین خان و عباس خان ولدان محمدتقی خان پیش خدمت خاصه همایونی، میرزانصرالله ولد علی محمدبیک صندوق دار سفارت انگلیس، میرزاتقی ولد آقارشید طیب.» در هفته نخست ماه شوال همان سال ۱۲۸۸ قمری اشخاص ذیل برای تحصیل زبان فرانسه به شاگردان مکتب مجانی افزوده شدند: «آقاسیدحسین یزدی، محمدحسین خان پسر میرزا عبدالله خان مستوفی نوری، میرزاعلی محمد پسر میرزامحمدعلی منشی، میرزاعلی نقی و میرزامحمدعلی و آقاجلال پسران میرزامهدی لشکرنویس، میرزاعلی اکبر پسر حاجی میرزاجان، میرزامهدی پسر حسن بیک مکر» (روزنامه ایران، نمره ۵۸: ۴). صنیع الدوله (رئیس این مکتب یا مدرسه) چند روز بعد، اسامی تعدادی دیگر از شاگردان این مکتب مجانی را چنین منتشر کرد: «بنای درس مجانی از وقتی که در دارالترجمه همایونی شده تاکنون، قریب چهل نفر شاگرد به واسطه نظم مجلس درس و اهمات وافیة مسیو بروسکی، رئیس مجلس مترجمین، که تعلیم متعلمین را به عهده گرفته است، همه روزه حاضر شده. اشخاصی که در این هفته آمده‌اند، از این قرار است: آقاسردار پسر مرحوم محمدخان ولد خان باباخان سردار، احمدخان پسر مرحوم یوسف خان پسر سردار مزبور، میرزا ابوالقاسم پسر آقاسیدحسین، میرزامحمد پسر حاجی میرزا عبدالکریم منشی نظام، میرزاحبیب الله پسر میرزاعباس طیب نظام، میرزا عبدالعظیم و میرزامحمدعلی پسران حاجی محمد مهدی تاجر، حسین خان پسر آقامیرزا اسمعیل لشکرنویس، نورالله میرزا پسر شاهزاده اسمعیل میرزا، جلیل میرزا پسر مرحوم صاحب اختیار، محمدحسن میرزا پسر مرحوم اردشیر میرزا، آقابزرگ پسر میرزایان مستوفی» (روزنامه ایران، نمره ۶۲: ۴).

در ماه ذیقعد سال ۱۲۸۸ قمری چند شاگرد جدید برای تحصیل زبان فرانسه و غیره به شمار شاگردان مکتب مجانی افزوده شدند که اسامی آن‌ها بدین قرار است: «علاءالدین میرزا پسر حاجی خان، عباس قلی خان غلام پیش خدمت پسر میرزامحمد، محمدباقر خان پسر قله آقاسی باشی، کریم خان پسر مرحوم آقاخان، میرزا احمد پسر حاجی محمدتقی معمار، میرزا ابوالقاسم، میرزاحسین غلام پیش خدمت» (روزنامه ایران، نمره ۶۶: ۴).

در اواخر ذیقعد ۱۲۸۸ قمری نام تعدادی دیگر از شاگردان مکتب مجانی در روزنامه

ایران بدین قرار درج شده است: «میرزا محمد حسین خان پسر میرزا شفیق خان، علی خان پسر میرزا مهدی خان، حسن خان پسر آقا علی اکبر صندوق دار، میرزا حسین پسر مرحوم آقا محمد هاشم ناظم التجار، یدالله میرزا پسر مرحوم سیف الله میرزا، میرزا محمد پسر میرزا علی اکبر مشرف اصطلب» (روزنامه ایران، نمره ۷۳: ۴).

در همان ماه، تعداد بیشتری از محصلان برای تحصیل در این مکتب مجانی ثبت نام کردند که عبارتند از: «جعفر قلی خان غلام بیچه پسر مرحوم اعتماد الدوله، ابراهیم خان و امیر اصلان خان پسران خسرو خان والی کردستان، محمد باقر خان پیش خدمت پسر ادیب الملک، ابوالحسن خان غلام بیچه پسر رضا قلی خان والی کردستان، حسین قلی خان و ابوالفیض خان پسران میرزا جواد خان نایب الوزا، میرزا آقا پسر میرزا اسدالله منشی اول وزارت خارجه، میرزا مهدی خان پسر میرزا مان مستوفی، حسن آقا غلام بیچه پسر میرزا مهدی خان پیش خدمت، سید محمد غلام بیچه پسر آقا سید ابوالقاسم، اسدالله خان غلام بیچه پسر آقا میرزا محمود، میرزا علی اکبر غلام بیچه پسر آقا محمد نقی، شعبان علی غلام بیچه پسر حسین علی» (روزنامه ایران، نمره ۷۵: ۴).

چند محصل دیگر در محرم ۱۲۸۹ قمری به شمار شاگردان این مکتب افزوده شدند که عبارتند از: «اکبر خان پسر مرحوم محمد خان امیر تومان، محمد ناصر خان پسر محمد نظر خان، حسن خان پسر اللهیار خان سرتیپ، حبیب الله خان غلام بیچه نوه سهراب خان، میرزا یوسف طیب» (روزنامه ایران، نمره ۷۹: ۴).

در اواسط ماه محرم ۱۲۸۹ قمری افراد ذیل در این مدرسه ثبت نام کردند: «فتح علی خان پسر مرحوم اسکندر خان سردار، میرزا مسعود خان پسر سیف الملک، رحمت الله خان پسر سیف الملک، حسین خان ولد [؟]، جواد خان پسر شاه وردی خان، میرزا احمد پسر میرزا اسمعیل، آقاعیسی پسر حاجی میرزا محمد یوزباشی، محمد ولی خان ولد مصطفی قلی خان غلام پیش خدمت، محمد حسین خان، سلطان مجید میرزا پسر جعفر خان، میرزا علی اکبر خان سرهنگ» (روزنامه ایران، نمره ۸۲: ۴).

در نیمه دوم ماه صفر ۱۲۸۹ قمری شاگردان ذیل به مکتب مجانی اضافه شدند که اسامی آنها عبارت است از: «میرزا رحیم پسر حکیم الممالک، جهانگیر خان نواده مرحوم مجد الدوله پسر عمید الملک، ملا علی محمد از اهل اصفهان، میرزا سید محمد تفرشی، علی اکبر خان پسر علی قلی خان تفنگ دار، عسکر خان ولد محب علی خان، علی خان پسر میرزا مهدی پیش خدمت خاصه شریفه، عبدالله میرزا پسر جهانگیر میرزا» (روزنامه ایران، نمره ۹۰: ۴).

شاگردان مکتب مجانی در دو سه نوبت از سوی مقامات اصلی مملکت مورد تشویق قرار گرفتند^۱؛ چنانچه در اولین نوبت، شاگردان به اتفاق رؤسای آن مدرسه در بعد از ظهر

۱. دو سه امتحان شاگردان این مدرسه دادند که از طرف دولت قوی شوکت به آنها مدال و امتیازات دیگر عطا شد (مرآت البلدان، جلد ۲، تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۴ ق. ص ۹۱).

یکشنبه ۵ صفر ۱۲۸۹ قمری در حضور ناصرالدین شاه حاضر شدند و به تشویق شاهانه مفتخر گردیدند که گزارش آن از نظر می‌گذرد:

«حساب‌الاشارة علیه، جمیع مترجمین دارالترجمه همایونی با جمیع شاگردان درس زبان که تا آن زمان قریب به هفتاد نفر بودند، به اتفاق صنایع‌الدوله رئیس دارالطباعة و دارالترجمه، به حضور باهرالنور مبارک مشرف گشته. صنایع‌الدوله به موجب راپورت جداگانه، هریک از متعلمین را در خاک پای مبارک معرفی کرده، از مراتب زحمات مسیو بروسکی، معلم درس زبان فرانسه، رضامندی خود را معروض داشت و مراتب رضامندی شاگردان را در حضور آفتاب‌ظهور اقدس باز نمود. سرکار اعلاحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی، تلطفات و الطاف شفاهی درباره مسیو بروسکی و سایر مترجمین و متعلمین می‌ذول فرمودند و زائدالوصف مطبوع طبع مبارک افتاد و امر و مقرر شد که من بعد زایدماً ما کان در مقام ترقی و تکمیل السنه مختلفه بوده، این صنعت شریف را شایع و رایج نمایند» (روزنامه ایران، نمره ۸۸: ۴).

با فرا رسیدن آغاز تعطیلات تابستانی از ماه خرداد به بعد (ماه ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ ق)، نه‌تنها اغلب اداره‌های دولتی نظیر اداره عسکریه در منطقه شمیران و نیاوران تهران دایر شدند (روزنامه ایران، نمره ۱۰۸: ۴؛ نمره ۱۱۰: ۴-۱). بلکه مسئولان مکتب مجانی برای تحصیل شاگردان، مجلس درسی در منطقه دربند شمیران تهران (احتمالاً در منزل بیلاقی صنایع‌الدوله) (روزنامه ایران، نمره ۱۱۰: ۴). تشکیل دادند که شاگردان از ادامه تحصیل باز نمانند. اعلامیه ذیل حاکی از این موضوع است:

«به متعلمین مکتب مجانی اعلام می‌شود چون جمعی از ایشان به بیلاقات می‌روند و سه چهار ماه خواهند ماند، بعد مراجعت به دارالخلافة می‌نمایند، تحصیلی که در این چند مدت در مکتب مجانی نموده‌اند و زحمت کشیده‌اند، در این سه چهار ماه تعطیل به هدر خواهد رفت. لهذا چنین قرار داده می‌شود، مجلس درسی کماکان هم در شهر خواهد بود و هم هفته [ای] سه روز، شنبه، دوشنبه، پنج‌شنبه، در مسیر محله دربند، مجلس مخصوصی به جهت درس تعیین شده است و معلمین السنه مختلفه و علوم طب و غیره آن‌جا از ظهر به بعد حاضر خواهند شد و به متعلمین که در شمرانات می‌مانند، اطلاع داده می‌شود که از پانزدهم شهر [ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ ق] به بعد در ایام معینۀ مذکوره مجلس درسی در مسیر محله دربند موجود است»^۱ (روزنامه ایران، نمره ۱۰۲: ۴). بعد از ایام تعطیلات تابستان و آغاز مجدد ادارات شهر تهران، فعالیت این مکتب دوباره

۱. گفتنی است که همین اعلان چندی بعد به صورت خیلی مختصر مجدداً باین قرار بازنشر گردید: «در روزنامه نمره صدودو ذکر شد که مجلس درس متعلمین در بیلاق دربند خواهد بود. هفته [ای] سه روز؛ شنبه و دوشنبه و پنج‌شنبه مجدداً تأکید می‌شود که هر که اطلاع ندارد دانسته باشد در ایام هفته از چهار ساعت به غروب مانده در سه‌روزی که اعلان شد در دربند مجلس درسی منعقد است انشاءالله.» (روزنامه ایران، نمره ۱۰۶، پنج‌شنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ ق، ص ۴).

از سر گرفته شد و سپهسالار به همراه عده‌ای از ملازمان در تاریخ چهارشنبه ۱۵ ذی‌قعدة ۱۲۸۹ قمری از آن مکتب بازدید به عمل آوردند.^۱

در آن روز نه تنها مسئولان این مکتب تشویق شدند، بلکه تعداد بیست و سه نفر از شاگردان که در تحصیلات خود ترقی زیادی کرده بودند، از سوی صدراعظم وقت به دریافت نشان‌های نقره و مدال مس سرفراز شدند.

همچنین، در همان روز، بنا به استدعای صنیع‌الدوله و موافقت میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار، قرار شد این مکتب از مکتب مجانی به اسم صدراعظم یعنی مکتب مشیری به تغییر نام یابد.

از مراسم بازدید سپهسالار و صورت اسامی مسئولان و شاگردانی که به دریافت نشان و مدال سرفراز شدند، گزارش مفصل و ارزنده‌ای در روزنامه ایران بدین قرار درج شده است: «در سنه ماضیه که بر حسب اجازهٔ اعلاحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدراعظم به استقرار وضع مکتب مجانی اشاره نمودند، صنیع‌الدوله، مترجم مخصوص حضور همایون، حسب الامر به ترتیب و تشخیص معلمین و مجمع متعلمین پرداخته... و مسیو بروسکی را برای تعلیم زبان فرانسه و جغرافی و حساب و ریاست مجلس مترجمین انتخاب نمود. جمعی از اعیان و اشراف و غیره طالب تربیت اطفال و ترقی جوانان قابل خود گشته، رغبت نمودند و در اندک زمان... جوانان مزبور... در مکتب مزبور حضور به هم رسانده، کل علی حسب استعداداتهم تحصیل زبان و علم جغرافیا و حساب کردند. چندی قبل از این مختصر امتحانی داده شد، ترقی هر یک بر قیاس قابلیت ایشان به وضوح پیوست، تشویقی که در خور وقت بود، از جانب اولیای دولت منظور افتاد و باز به تحصیل مشغول شدند. این اوقات جناب مستطاب اشرف ارفع ثانیاً به امتحان متعلمین مکتب فرمایش دادند. ناظم افندی (شارژ د فر دولت علیه عثمانی) و دکتر طولوزان (حکیم‌باشی حضور مبارک) و دکتر دیکسون (حکیم سفارت انگلیس) و حکیم‌الممالک (ناظم دفترخانه مبارکه) و خلیفه مند و خلیفه بلال یار و میرزا احمدخان (آجودان صدارت عظمی) و میرزا احسن (منشی اول سفارت عثمانی) که اساتید علم زبان فرانسه و علوم متنوعه می‌باشند، در روز چهارشنبه پانزدهم ذی‌القعدة الحرام در مکتب مزبور حضور به هم رسانده، متعلمین مکتب را واحداً بعد واحد امتحان نموده، ترقیات هر یک را در ذیل امتحان‌نامهٔ جداگانه سمت ترقیم داده، به خدمت جناب مستطاب اشرف امجد عرضه داشتند. چون در مدت قلیله، با آنکه در اوقات تابستان و ایام سورت گرما مکتب مزبور چنانکه باید دایر نمود و متعلمین در بیلاقات سایر بودند، ترقیات ایشان زیاده از حد مظنون به ظهور رسیده و مساعی جمیلهٔ صنیع‌الدوله در جمع

۱. [صنیع‌الدوله] در جلد سوم کتاب مرآت‌البلدان (تهران، چاپ سنگی، ۱۲۹۵ ق. ص ۱۶۸) تاریخ این بازدید را ماه ذی‌حجهٔ ۱۲۸۹ ق. درج کرده است. همچنین همین موضوع در جلد سوم تاریخ منتظم ناصری (جلد ۳، ص ۱۹۳۶) نیز درج شده است.

و اصحاب متعلمین و معلمین واضح و آشکار شد، در خدمت جناب معظم وقعی تمام یافته، بیست‌وسه نفر از شاگردان را که ترقی فوق‌العاده کرده بودند، از جانب دولت به التفات نشان نقره و مدال مس قرین مفاخرت و مباحثات داشتند و به جمعی انعام داده شد و دربارهٔ مسیو بروسکی نیز که در تربیت و تعلیم ایشان زحمت کشیده بود بذل خلعت فرمودند و مقرر گردید که زایداً ما کان در تربیت جوانان و اطفال مکتب مجانی سعی و اهتمام از جانب صنایع‌الدوله منظور شود. صنایع‌الدوله محض افتخار این مکتب و ازدیاد تشویق متعلمین از جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدراعظم مستدعی شد که این مکتب را به اسم خودشان موسوم فرمایند. جناب مستطاب اشرف امجد معظم‌الیه قبول استدعای صنایع‌الدوله را فرموده، مکتب مجانی را به مکتب مشیریه موسوم فرمودند و برای استحضار ناظرین در این روزنامهٔ مبارکه رقم زد کلک روزنامه‌نگاری گردید تا فواید این بر عموم مطالعه‌کنندگان معلوم گردد. عدد شاگردان مکتب مشیریه الحال متجاوز از هفتاد نفر است، اما در این روزنامه اسامی اشخاصی که تحصیل نموده، شایستهٔ نشان و مدال نقره و مس شده‌اند، مرقوم می‌داریم و نیز برحسب حکم صدارت عظام لباس معینی از برای متعلمین برقرار شده و انعامی در حق مراقبین التفات گردیده. صورت اسامی متعلمین مکتب مشیریه که به‌موجب تعلیقات جناب اشرف امجد صدراعظم نشان داده شده‌اند:

نشان نقره: عبدالحسین خان پسر محمدتقی خان پیش خدمت، عباس میرزا پسر حسین شاه میرزا، میرزا عبدالرحیم طیب برادر میرزا طاهر مستوفی کاشانی، میرزا حبیب پسر میرزا عباس طیب، محمدباقر خان پسر قوللر آقاسی باشی، عباس خان پسر امیرخان نواده حاجی محمدعلی میرزا، سلیمان خان عمه‌زاده حکیم داودخان مسیحی، امیرخان پسر میرزا زمان مستوفی نوری.

مدال مس: عباس قلی خان ولد محمدتقی خان، میرزا فضل‌الله پسر حاجی مهدی، نورالله میرزا ولد اسمعیل میرزا، عسکرخان ولد مرحوم محب‌علی خان، محمدآقا پسر اسمعیل خان فراش باشی وزارت خارجه، آقاسردار نواده خان باباخان سردار مرحوم، احمدخان نوادهٔ فخرالدوله و نوادهٔ خان باباخان سردار مرحوم، میرزاتقی خان ولد مجدالملک، یدالله میرزا پسر مرحوم سیف‌الله میرزا، ناصرخان پسر محمدنظرخان، کریم خان پسر آقاخان، آقاغلام حسین پسر مرحوم ملک‌التجار مازندران، میرزا ایوب ولد نور محمود طیب، ابوالحسن خان پسر والی، آقا جلال پسر میرزا مهدی لشکر نویس» (روزنامهٔ ایران، نمرهٔ ۱۴۷: ۲-۱).

شاگردان مدرسهٔ مشیریه پس از سفارش‌های سپهسالار و متحدالشکل شدن لباس آن‌ها بر حسب اجازهٔ صدراعظم در تاریخ هشتم محرم ۱۲۹۰ قمری در عمارت دیوان‌خانهٔ مبارکه

۱. گفتنی است، اسامی شاگردانی که به دریافت نشان و مدال سرفراز شدند، در سالنامهٔ ۱۲۹۰ ق (تهران: چاپ سنگی، ص ۱۰۳ - ۱۰۲۳) نیز درج شده است.

مدرسه مشیریه به تدریج دچار افول شد

به حضور ناصرالدین شاه رسیدند و اقدامات صنایع‌الدوله (مدیر مدرسه) و بروسکی مورد توجه شاه ایران واقع گردید (روزنامه ایران، نمره ۱۵۰: ۱).

همچنین، یک ماه بعد صنایع‌الدوله به جهت بروز کفایت و رضایت‌مندی ناصرالدین شاه در ایجاد مدرسه مشیریه و اسباب تعلیم جمعی از شاه‌زادگان و اعیان، بنا به استدعای صدراعظم، به دریافت یک قطعه نشان از درجه دوم خارجه مفتخر گردید (روزنامه ایران، نمره ۱۵۵: ۴).

مدرسه مشیریه که به تدریج می‌رفت به جرگه یکی از آموزشگاه‌ها و مدارس نوبین زبان در ایران تبدیل شود، تقریباً از اواخر ماه محرم ۱۲۹۰ قمری به بعد دچار افول شد. یادداشت ذیل گویای این موضوع است:

«چون بعضی از متعلمین مدرسه مشیریه در قید تحصیل نبودند یا سلوک رفتارشان شایسته این مدرسه نبود یا از بعضی از تکالیف مقرر و رسوم لازمه تخلف می‌نمودند و این فقرات کلیتاً منافی امر تحصیل بود، از این مدرس معاف شدند» (روزنامه ایران، نمره ۱۵۳: ۴).

با آغاز سفر نخست ناصرالدین شاه به فرنگ در تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری مدرسه مشیریه نیز به سرعت به محاق تعطیلی افتاد. دلیل آن نیز چنین است که صنایع‌الدوله در این سفر جزو همراهان شاه بود و برای این منظور نیابت مدرسه را به مسیو بروسکی واگذار کرد.^۱ سفر ناصرالدین شاه تا رجب همان سال به طول انجامید، اما پس از بازگشت به کشور، ناگهان موج تخطئه‌ها علیه میرزااحسین خان سپهسالار به حدی گسترش یافته بود که سپهسالار قبل از ورود به پایتخت ناگزیر شد استعفای خود را از مقام صدارت تقدیم ناصرالدین شاه نماید و برای مدتی عازم رشت گردد.^۲

«از این تاریخ به بعد منصب صدارت اعظم و وزارت مستقله که یک شخص باید از نوکران دربار همایون مرجع کل باشد، در دولت ایران متروک شد و اداره امور دولتی در مجلس دربار اعظم به دست وزرای متعدده که هر یک در امور سپرده به خود کمال استقلال را دارند، مقرر گردید» (روزنامه ایران، نمره ۱۸۸: ۱).

۱. برحسب استدعای خود بنده از خاک پای همایون و مقام صدارت عظمی، در غیاب بنده [صنایع‌الدوله]، مسیو بروسکی در اداره دارالطباعه و دارالترجمه و تنظیم مدرسه مشیریه نیابت هستند. هر فرمایشی که نسبت به بنده دانسته، در غیاب بنده به مسیو بروسکی نمایند (روزنامه ایران، نمره ۱۵۶، پنجشنبه ۳ ربیع‌الاول ۱۲۹۰ ق. ص ۱).
۲. جناب جلالت‌مآب حاجی میرزااحسین خان مشیرالدوله که به منصب صدارت عظمی مفتخر بود، بعد از مراجعت از سفر فرنگستان و قبل از ورود به دارالخلافه تهران از این منصب جلیل استعفا نموده و استدعای او در خاک پای مبارک پذیرفته آمده، از همان جا از حضور مهرظهور خسروانه مرخص و روانه رشت گشت (روزنامه ایران، نمره ۱۸۷، یکشنبه ۵ شعبان ۱۲۹۰ ق. ص ۲). برای درک بهتر از این موضوع به کتاب مادام کارلاسرنا (آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲، ص ۱۰۹-۱۰۶) و صدراالتواریخ (ص ۲۷۰-۲۶۹) مراجعه شود.

با عزل
سپهسالار،
برخی از
دستاوردهای او
همانند مدرسه
مشیریه تعطیل
شد

بدین ترتیب، با عزل سپهسالار، نه تنها مقام صدارت عظمای برای مدتی در ایران متروک شد، بلکه برخی از دستاوردهای سپهسالار همانند مدرسه مشیریه نیز تعطیل شدند. صنایع الدوله درباره تعطیلی این مدرسه چنین نوشته است: «این مدرسه تا زمان [نخستین] صدارت جناب سپهسالار اعظم برقرار بود... بعد از استعفای سپهسالار اعظم از صدارت عظمای، متعلمین این مدرسه که مقدمات را کاملاً تحصیل نموده بودند، تکمیل تحصیل را در مدرسه دارالفنون نمودند».

همچنین در تمام سال نامه‌های دولت ناصری، تنها در سال نامه (۱۲۹۰ق) از این مدرسه با عنوان مکتب مشیریه یاد شده است که این امر حاکی از عدم تداوم آن در سال‌های بعد می‌باشد (صنایع‌البلدان، ۱۲۹۰ق: ۱۰۳-۱۰۲). همین موضوع را صنایع‌الدوله در تاریخ سه‌شنبه ۱۴ رمضان ۱۳۱۲ق. نیز چنین بیان کرده است: «بیست و دو سال قبل از این... مکتب مشیریه که آن وقت دماغی داشتیم و میلی به کار... ایجاد نموده بودم» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۹۹۵).

□ مجلس درس مجانی

در تاریخ شوال ۱۲۸۸ قمری اعلانی مبنی بر تشکیل دروس مجانی از طرف رئیس مدرسه دارالفنون منتشر شد که بدین قرار بود: «در جنب مدرسه مبارکه دارالفنون در غره ذیقعدۀ مجلس درسی منعقد است که مجاناً گفته می‌شود. غیر از جمعه که تعطیل عامه است، سایر ایام تدریس می‌شود و علوم و گفته می‌شود از قرار تفصیل ذیل است: علم ریاضی (همه قسم)، جغرافیا، تاریخ، علم طب، تشریح، فیزیک حکمت طبیعی، دوسازی. اشخاصی که طالب تحصیل هر یک از این علوم هستند، باید زحمت کشیده تشریف بیاورند در مدرسه مبارکه، نزد ناظم مدرسه اظهار بدارند که به کدام یک از این علوم میل تحصیل دارند تا آنکه اسامی آنها را ثبت و ضبط نموده، ترتیب مجالس درس را بدهند» (روزنامه ایران، نمره ۶۲: ۴).

آن‌طور که از قراین برمی‌آید، مجلس درس مجانی که مسئولان دارالفنون برپا کردند، در همان ابتدا با استقبال مواجه نشد و به همین جهت نه تنها تدریس برخی از دروس آن نظیر جغرافیا و علم ریاضی (به‌ویژه هندسه)، به مکتب مجانی، زیر نظر صنایع‌الدوله، واگذار شد، بلکه کلاس‌های آن اساساً مدتی بعد با مکتب مجانی ادغام شدند. چنانکه اعلان ذیل در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ق. گویای این موضوع است:

«دکتر شلیمر حکیم‌باشی که از اطباء حاذق و حکیم دانشمند است، همه روز در مکتب مجانی حاضر و تعلیم علم طب و شیمی و فیزیک و تشریح می‌نماید. هر که طالب باشد، می‌تواند اسم خود را در جزء متعلمین مکتب مجانی نوشته، به درس طب حاضر شود» (روزنامه ایران، نمره ۱۰۲: ۴).

برخی از معلمان
به تعدادی از
محصلان غیررسمی
به صورت رایگان
آموزش می دادند

مجلس درس مجانی همگام با تعطیلی مکتب مجانی مشیریه و پایان عصر نخست صدارت سپهسالار به تدریج کم فروغ شد. چنانکه پس از عصر سپهسالار، سه رشته طب، زبان فرانسه و جغرافی در خود مدرسه دارالفنون با عنوان دروس مجانی کمابیش ادامه یافت که معلم طب مجانی میرزا علی خان و معلم دروس زبان فرانسه و جغرافی مسیو پروسکی خان بودند. در گزارشی از مراسم سلام مدرسه دارالفنون به تاریخ شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۲۹۷ قمری، از میرزا علی خان به عنوان معلم طب مجانی با پنج نفر شاگرد یاد شده است. همچنین، در مراسم سلام بعدی مدرسه به تاریخ یکشنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۰۵ قمری نیز چنین ذکر شده است: «شاگردان [مجان] مجانی زبان فرانسه که نزد پروسکی خان سرتیپ تحصیل می نمایند، بیست و هفت نفر.»

امروزه به نظر می رسد منظور از شاگردان مجانی مدرسه دارالفنون که در رشته طب و زبان و جغرافیا به تحصیل می پرداختند، در ادامه همان برنامه مجلس درس مجانی عصر سپهسالار بوده باشد که برخی از معلمان به تعدادی از محصلان غیررسمی به صورت رایگان آموزش می دادند. چنانکه در رساله تفصیل مدرسه مبارکه دارالفنون به تاریخ ۱۳۱۴ قمری، در این خصوص چنین درج شده است:

«پروسکی خان از چاکران قدیم و برآوردگان دولت است و در مدرسه، جغرافیا و زبان فرانسه به طبقه شاگردان مدرسه مجاناً درس می داد.»

■ مکتب صنایع

از دیگر تأسیسات نوین دوره اول صدارت میرزا حسین خان سپهسالار در تهران ایجاد مکتب صنایع است. به نظر می رسد، راه اندازی این مکتب به تأثیرپذیری از تشکیلات نوین کشور عثمانی برای ارتقای هنرهای دستی در کشور بوده باشد. متأسفانه در جراید و متون دوره قاجار درباره مکتب صنایع هیچ اشاره روشنی مطرح نشده است و تنها سرنخ موجود، یادداشتی کوتاه بدین قرار در روزنامه ایران به تاریخ رمضان ۱۲۸۹ قمری است: «مکتب صنایع که تازه برحسب حکم جناب مستطاب اشرف امجد احداث شده»

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر و الآثار (تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۶ ق.، ص ۸۴) در این زمینه نوشته است: «مدرسه جلالت مآب آقارضاخان اقبال السلطنه که در محل گذر سرچنک از محله عولاجان من محلات طهران جنب عمارات خویش (ارض موات کناسه ای) را احیا و مدرسه ای برای ایتم فقراتانشا نموده است و فی الحقیقه به کفلین من رحمة الله مستوجب شده.» عین السلطنه سالور در خاطرات خود در این خصوص نوشته است: «جمعه ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۰۷ ق اقبال السلطنه دیشب به رحمت خدا رفت... نعلش آن مرحوم را در مدرسه ای که خودش ساخته بود و بچه های یتیم را درس می دادند گذاشته بودند» (خاطرات عین السلطنه، جلد ۱، تهران: اساطیر، ص ۲۶۰). همچنین، ملک المورخین سپهر نیز در کتاب مرآت الوقایع مظفری در این خصوص نوشته است: «مدرسه برای ایتم... در تهران، اگرچه مرحوم میرزا رضاخان اقبال السلطنه به این خیال افتاد، لکن عمرش کفاف نکرد» (بنگرید به: ملک المورخین، عبدالحسین خان: مرآت الوقایع مظفری، جلد ۱، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب، ۳۸۵، ص ۱۰۳).

امروزه می‌دانیم، در نیمه نخست سال ۱۲۶۹ قمری در حوالی سبزه میدان (جنوب شرقی میدان ارگ) تهران یک مرکز هنری به نام کارخانه مجمع‌الصنایع یا مدرسه مجمع‌الصنایع برای تربیت و تشویق اهل هنر و ترویج صنایع داخلی تأسیس شد که مؤسس آن را امیرکبیر و حسین‌علی‌خان معیرالممالک را ذکر کرده‌اند.

همچنین، مجدداً با یادداشت‌هایی که در سال ۱۲۹۹ قمری در روزنامه ایران به چاپ رسید، می‌دانیم که تشکیلات مجمع‌الصنایع چند سال بعد به خیابان باب‌همایون (الماسیه) منتقل شده بود که آن نیز مدت‌ها متروک (خالی از سکنه و بایر) مانده بود و در سال ۱۲۹۹ قمری به دستور ناصرالدین‌شاه از نو راه‌اندازی شد.

به نظر می‌رسد در خلال سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۲۹۹ قمری که تاکنون گزارش دقیقی از این مرکز هنری مشاهده نشده، فعالیت‌های آن مجمع برای مدت کوتاهی در دوران صدارت سپهسالار با انتقال از محدوده سبزه‌میدان به خیابان باب‌همایون (الماسیه) مجدداً از سر گرفته شده باشد؛ اما همانند سایر تشکیلات نوین در دوره نخست صدارت سپهسالار عمر کوتاهی داشته است.

جالب است که در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه به تاریخ ۱۳۱۴ قمری تشکیلاتی با عنوان مکتب صنایع در محله سرچشمه تهران برای اطفال فقیر و یتیم راه‌اندازی شد که در آن درس‌هایی همانند قرآن و علوم دینی و مشق نقاشی و صنایع تدریس می‌شدند و بنیان آن را **امین‌السلطان، کامران میرزا و صنایع‌الممالک** ذکر کرده‌اند.

اگرچه مکتب صنایع در آغاز سلطنت مظفری هیچ ارتباطی با مکتب صنایع در دوره سپهسالار ندارد، اما به نظر می‌رسد برخی از اقدامات تجددگرایی سپهسالار نظیر «احداث مدرسه نظام که در آغاز دهه ۱۳۰۰ قمری به نام کامران میرزا ثبت شد نیز در این فقره بی‌تأثیر نبوده باشد. یعنی صاحب‌منصبان بعدی مملکت که بعدها به پیروی از خط مشی اقدامات سپهسالار برآمدند، در صدد بودند همان اقدامات وی را دنبال کنند که به دلایل سیاسی ناکام ماندند.

نتیجه‌گیری

سپهسالار از جمله صاحب‌منصبان و صدراعظم‌های دوران ناصری بود که به احداث تشکیلات نوین به شیوه غربی در کشور نیز توجه شایانی نشان داد. در بین اقدامات او برخی نظیر: تأسیس پست‌خانه، احداث پلیس، ایجاد کارخانه چراغ گاز و... تا سال‌ها بعد تداوم یافتند، برخی دیگر همانند موج جدید نمایشنامه‌نویسی و ترجمه متون نمایشی به صورت ناپوسته شیوع یافتند؛ و متأسفانه برخی دیگر همانند مدارس و روزنامه‌های او با تعطیلی مواجه شدند. البته باید گفت که سپهسالار علاوه بر این اقدامات و خدمات مفید که در این موارد نیاز به بررسی دقیق نظرات صاحب‌نظران می‌باشد که از موضوع این

نشریه خارج است. وی فردی فرصت طلب بود که منافع ملی را به سود آنی و فردی خود مقدم داشت. خیانت‌های بسیاری در زمان صدارت و سایر مسئولیت‌های دولتی، مرتکب شد که این اعمال ننگین قابل گذشت و پاک شدن از تاریخ این سرزمین نیست. مهم‌ترین این اعمال خائنانه عبارتند از:

۱. رواج کشت تریاک در ایران.
۲. مال اندوزی در مناصب دولتی و اتهام به اخذ رشوه و فساد مالی با سوءاستفاده از مناصب دولتی.
۳. انعقاد قرارداد ننگین رویت‌ر که به روایت‌هایی یکی از شروط دولت استعمارگر انگلیس از سپهسالار برای حمایت و معرفی او جهت صدرات بود.
۴. رفتارهای پوپولیستی سپهسالار در هنگام قحطی در ایران.

در بین مدارس دوره نخست عصر سپهسالار (۱۲۸۸-۱۲۹۰ق.) بی‌گمان مکتب مجانی مشیریه در تاریخ دوره قاجار از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا اولاً این مدرسه به‌عنوان نخستین آموزشگاه مستقل زبان‌های غربی در کشور به‌شمار می‌رفت که شوق آموزش زبان را در بین اطفال و نوجوانان آن زمان برانگیخت، و ثانیاً در این مدرسه شاگردانی پرورش یافتند که بعضی از آن‌ها سال‌ها بعد در شمار صاحب‌مقامان دوره قاجار شدند که از بین آن‌ها می‌توان به: مسعود غفاری (نقاش و خلیفه نقاشی در مدرسه دارالفنون در دوره ناصری)، محمدباقر ادیب‌الملک اعتمادالسلطنه برادرزاده صنایع‌الدوله (وزیر انطباعات و ریاست دارالترجمه و دارالتألیف دولتی دوره مظفری)، میرزاتقی‌خان مجدالملک (وزیر وظایف و وزارت اوقاف و وزیر داخله و معاون صدراعظم و...)، ابوالحسن‌خان فخرالملک (والی کردستان و...)، میرزارحیم فرزانه پسر حکیم‌الممالک (مترجم انگلیسی دربار ناصری)، ملامحمد ندیم‌السلطان (وزیر انطباعات دوره مظفری)، عبدالله میرزا پسر جهانگیرمیرزا (عکاس‌باشی مخصوص همایونی و مدیر عکاس‌خانه دارالفنون) و... اشاره نمود.

اگرچه مکتب یا مدرسه مشیریه اساساً آموزشگاهی برای فرزندان دربار بود؛ اما به هر حال تأسیس آن بعد از مدرسه دارالفنون توانست که زیربنای احداث سایر مدارس را در تهران و شهرستان‌ها هموار نماید و آن سنت همیشگی مخالفت‌های مرتجعین آن روزگار را در هم بشکند.

جدا از این موارد، احداث مکتب صنایع و ایجاد مدرسه ایتام برای اطفال از سوی سپهسالار، الگوی دیگری برای سایر درباریان بود که بتوانند اقدامات صدراعظم معزول ایران را پس از او تداوم دهند.

در نهایت، اقدامات فرهنگی و مدنی سپهسالار به‌ویژه فعالیت‌های او در زمینه تأسیس مدرسه پس از آغاز دوره دوم سپهسالاری او مجدداً از سر گرفته شد که در قسمت بعدی مقاله بدان می‌پردازیم.

منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۹). صدرالتواریخ. به کوشش محمد مشیری. وحید. تهران.
۲. مرآت الوقایع مظفری، جلد ۱.؟؟
۳. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۲). امیرکبیر. نگاه. تهران.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۰۶ق). المآثر و الآثار. طهران. چاپ سنگی.
۵. روزنامه اختر، سال ۲۳، شماره ۵، سه شنبه ۳ صفر ۱۳۱۴ق.
۶. بامداد، مهدی (۱۳۸۵). شرح حال رجال ایران. جلد ۴. زوآر. تهران.
۷. صنیع الدوله، محمدحسن خان (۱۲۹۴). مرآت البلدان. جلد ۲. چاپ سنگی. تهران.
۸. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. جلد ۱. دانشگاه تهران. تهران.
۹. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۵). خاطرات اعتمادالسلطنه. به کوشش ایرج افشار. امیرکبیر. تهران.
۱۰. روزنامه ایران، نمره ۴۸، یکشنبه ۷ شعبان ۱۲۸۸ق.
۱۱. روزنامه ایران، نمره ۵۵، جمعه ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ق.
۱۲. روزنامه ایران، نمره ۵۸، چهارشنبه ۷ شوال ۱۲۸۸ق.
۱۳. روزنامه ایران، نمره ۵۹، جمعه ۹ شوال ۱۲۸۸ق.
۱۴. روزنامه ایران، نمره ۶۲، سه شنبه ۲۰ شوال ۱۲۸۸ق.
۱۵. روزنامه ایران، نمره ۶۶، جمعه ۸ ذیقعدۀ ۱۲۸۸ق.
۱۶. روزنامه ایران، نمره ۷۳، یکشنبه ۱ ذیحجۀ ۱۲۸۸ق.
۱۷. روزنامه ایران، نمره ۷۵، پنجشنبه ۱۲ ذیحجۀ ۱۲۸۸ق.
۱۸. روزنامه ایران، نمره ۷۹، جمعه ۵ محرم ۱۲۸۹ق.
۱۹. روزنامه ایران، نمره ۸۲، جمعه ۱۹ محرم ۱۲۸۹ق.
۲۰. روزنامه ایران، نمره ۸۸، سه شنبه ۱۴ صفر ۱۲۸۹ق.
۲۱. روزنامه ایران، نمره ۹۰، سه شنبه ۲۱ صفر ۱۲۸۹ق.
۲۲. روزنامه ایران، نمره ۱۰۲، جمعه ۷ ربیع الثانی ۱۲۸۹ق.
۲۳. روزنامه ایران، نمره ۱۴۷، یکشنبه ۱۸ ذیحجۀ ۱۲۸۹ق.